

است؛ اما در مقابل سیاست‌های دولت اول آقای هاشمی به شدت جبهه داشت و حتی در دور دوم، مقابل ایشان کاندیدا شد و حدود ۴ میلیون رای آورد. آن بحث تثبیت قیمت‌ها هم ادامه همان نقطه نظرات اقتصادی بود که اینها از آن حمایت می کردند. این هم جالب است که جناح بازار و راست سنتی، ضمن اینکه تقویت بازار را در دولت مهندس موسوی طالب بودند، ولی در دولت آقای هاشمی و مخصوصاً در اواخر دولت اول ایشان، مجموعه اینها مقابل آقای هاشمی و خیلی از سیاست‌های تعدیل، مخالفت می کردند. آقای توکلی هم خیلی در این فاز بود، البته ایشان خیلی تندتر از دیگران بود و با سیاست‌های آقای هاشمی، مخالف بود. منظره‌ها و صحبت‌های آن موقع ایشان هم که موجود است.

❖ یکی از اقداماتی که در دهه اخیر توسط مرحوم توکلی آغاز شد، ایجاد مجموعه‌ای به نام دیده‌بان شفافیت و عدالت بود. عملکرد این مجموعه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آقای توکلی، یکی از مشخصه‌هایی که قبل از انقلاب هم داشت، این بود که اهل حقه‌بازی و رنگ عوض کردن نبود. ایشان همان دیدگاه مبتنی بر حمایت از قشر محروم و کارگران که در زمان دولت مهندس موسوی داشت را تا آخر بر همان دیدگاه بود. بعداً هم که در جامعه بحث‌های فساد و رانت خواری از دولت احمدی نژاد به بعد رایج‌تر شد، مخالفتش با این مباحث هم در همین راستا بود. دیده‌بان شفافیت را هم به همین علت ایشان راه‌اندازی کرد و در واقع از دولت احمدی نژاد به بعد دنبال چنین سازوکاری رفت. اینکه چقدر موفق بود را خیلی دنبال نکردم. ولی تمام اینها مجموعه دیدگاه‌های اقتصادی بود که ایشان به صورت خاص داشت و در جنبه‌های سیاسی هم اینها را هدایت می کرد. ضمن اینکه ایشان به لحاظ تعلقی که به جناح راست سنتی داشت، جزء مدافعان آقای احمدی نژاد در اوایل محسوب می شد اما بعداً نسبت به جریاناتی که در دولت ایشان بود، موضع‌های تندى گرفت. در دولت آقای روحانی هم همین بحث دیده‌بان شفافیت را دنبال کرد. در دولت آقای رئیسی، شاید از نظر سیاسی دیدگاه‌ها را قبول داشت ولی به لحاظ فساد و رانت خواری و گرفتاری‌هایی هم که در دولت مانند چای دیش ایجادشد، به مسائل واکنش نشان می داد و آن نامه‌ها از سوی دیده‌بان نوشته می شد.

روایت غلامحسین کرباسچی از احمد توکلی:

اهل حقه بازی و رنگ عوض کردن نبود

غلامحسین کرباسچی، فعال سیاسی اصلاح طلب و مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن معتقد است آنچه که احمد توکلی در سال‌های حیات انجام داده، براساس همان دیدگاهی بود که او پیش از انقلاب داشت و بر همان دیدگاه پایدار مانده بود، او، توکلی را فردی می‌داند که اهل حقه بازی و ریا نبود و بر همین اساس در دیده بان شفافیت و عدالت در دهه اخیر مشغول به فعالیت بود.

❖ سابقه آشنایی شما با مرحوم توکلی مربوط به چه زمانی است و ایشان چگونه شخصیتی داشتند؟

من با آقای توکلی، پیش از انقلاب و از دوران زندان؛ هم در زندان قصر و هم بیشتر در زندان اوین، در سال‌های ۵۴ و ۵۵ آشنا شدم. ایشان از فعالین سیاسی آن دوران و با چند نفر دیگر هم‌رونده بودند. خیلی مقید به مسائل شرعی بود و مسائل عبادی خیلی برایش اهمیت داشت و حتی می‌توان گفت در این زمینه‌ها وسواس داشت. بیشتر حالت‌های عرفانی و اخلاقی خاص خودش را داشت. خیلی اهل ورزش بود. در زندان برای خودش یک نوع ریاضت کشی را تعریف کرده بود و اهل ذکر بود. در زندان خیلی هم فعالیت سیاسی انجام نمی داد. با حساسیت‌هایی که در زندان اوین وجود داشت، خیلی افراد بودند که خیلی فعالیت سیاسی نمی کردند و به قول بچه‌های آن موقع، خیلی راحت زندان می کشید. خصیصه شاخص ایشان را هم در زندان، می‌توانم مقید بودنش بر مسائل شرعی بدانم. از نظر اخلاقی هم تقریباً با تمام بچه‌های زندان سلام و علیک داشت اما خیلی با بچه‌ها قاطی نبود. به لحاظ اخلاقی حالت خاص خودش را داشت. با بچه‌های زندان هم که اهل مطالعه بودند کار می کرد. بعد از انقلاب هم ایشان مدت زیادی در دولت مهندس موسوی وزیر کار بود، آن موقع ما در استانداری اصفهان بودیم و با ایشان ارتباطی داشتیم که ارتباط خوبی هم بود. خیلی اعتقاد به کمک به

علی مطهری نماینده ادوار مجلس:

تفکر توکلی در موضوع آزادی بیان مانند اصلاح طلبان بود

اتفاقاتی که در کشور می افتاد توجه داشت و به موقع هشدار می داد. ضمن اینکه جزء اصولگرایان حساب می شد اما آن تعصب گروهی را نداشت. در موضوع آزادی بیان، مقداری شبیه اصلاح طلبان فکر می کرد، معتقد به آزادی بیان بود و به راحتی آنجا که لازم بود انتقادانش را انجام می داد و با کسی هم رودرپایستی نداشت. به صورت کلی بخواهم بگویم، ایشان نمونه یک نماینده مؤثر بود.

❖ یکی از ماجراهایی که شما در دوره‌های هشتم و نهم مجلس داشتید، پیرامون درگیری‌های مجلس با محمود احمدی نژاد بود. مرحوم توکلی در آن ماجرا چه نقشی ایفا می کرد و چه نظری داشت؟

یادم می آید سال ۸۷، در آن داستان استیضاح آقای کران که من شروع کردم، ایشان هر چند جزء استیضاح کنندگان نبود اما موافق استیضاح بود و حمایت می کرد و اطلاعات خوبی را در اختیار ما قرار می داد. ایشان مخالف رویه آقای احمدی نژاد بود، اینکه آقای احمدی نژاد به صراحت می گفت فلان قانون را اجرا نمی کنم یا می گفت قانونی را اجرا می کنم که خودم تشخیص دهم منطبق بر قانون اساسی یا خیر، از جمله مواردی بود که مرحوم توکلی مخالف آن بود و ما را در مخالفت همراهی می کرد. در مسئله سوال از رئیس جمهور هم من پرچمدار آن بودم، ایشان آن را امضا کرد و تا پایان هم ایستاد. در موضوع استیضاح آقای شیخ الاسلامی، وزیر کار هم که به علت به کارگیری آقای مرتضوی در جریان بود، من با آقای توکلی حرف زدم و ایشان را قانع کردم که پای برکه استیضاح را امضا کند.

علی مطهری، نماینده ادوار مجلس که سابقه ۲ دوره همکاری با احمد توکلی را دارد، در گفت وگویی که با هم‌میهن داشت، او را فردی خطاب کرد که روحیه عدالت طلبی داشت که حساسیت زیادی در مسئله عدالت از خود نشان داده بود. مطهری می‌گوید که توکلی در سال‌هایی که همکار بودند، در موضوع آزادی بیان تفکری شبیه به اصلاح طلبان داشت و مخالف بازداشت و زندانی شدن منتقدان صرفاً به علت انتقاد بوده است.

❖ شما تجربه همکاری با مرحوم توکلی را در مجلس دارید. ایشان چه شخصیتی داشتند و مهم‌ترین ویژگی که در آن سال‌ها داشت، چه بود؟

ما در دوره‌های هشتم و نهم در مجلس با هم همکار بودیم. من دوره هشتم که وارد مجلس شدم، دیدم که صدلی‌ام کنل ایشان است. مرحوم توکلی روحیه عدالت طلبی بسیار روشنی داشت و روی مسئله عدالت خیلی حساس بود. روی اجرای قانون تاکید ویژه داشت و حتی در زمینه اداره جلسه مجلس هم، ایشان بارها تذکر می داد که اینجا آیین نامه داخلی مجلس رعایت نشده است. به هر حال، نماینده مؤثری در مجلس بود که تجربه بیشتری هم از ما در نمایندگی داشت. به



وجود دارد، اما من هرگز مستقیماً درباره این موضوع با او گفت وگو نکردم. با این حال، باید در نظر داشت که فضای آن سال‌ها بسیار ملتهب و خشونت‌بار بود. سازمان مجاهدین دست به ترور، بمب گذاری و اقدامات مسلحانه زده بود و متقابلاً نظام سیاسی نویانیز با خشونت پاسخ می داد. تحلیل این مقطع نیازمند بررسی جامع‌تری از زمینه‌ها و شرایط آن دوره است. پس از انقلاب، دکتر توکلی مسیر علمی خود را نیز ادامه داد. او که دیگر به رشته مهندسی بازنگشته بود، در رشته اقتصاد در دانشگاه شهید بهشتی تحصیل کرد و سپس در اوایل دهه ۱۳۷۰ برای ادامه تحصیل بورسیه شد و به انگلستان رفت. در دانشگاه ناتینگهام دکترای اقتصاد گرفت و پس از بازگشت به کشور، نقش‌های متعددی در عرصه علمی، سیاسی و رسانه‌ای ایفا کرد. از جمله مدتی به عنوان سردبیر روزنامه «رسالت» فعالیت می کرد که مدیر مسئول آن مرحوم آذری قمی بود. او همچنین عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام شد و در سال‌های پایانی عمر خود، نهادی مردم‌نهاد برای مبارزه با مفاسد اقتصادی تأسیس کرد. این سازمان در افشای برخی پرونده‌های مفاسد اقتصادی نقش مؤثری داشت. اگر کوچک‌ترین شائبه‌ای در مورد سلامت مالی یا اخلاقی ایشان وجود داشت، مخالفان بی‌درنگ آن را دستاویز حمله قرار می دادند، اما چنین چیزی هرگز پیش نیامد. این خود گویای سلامت سبک زندگی و پرهیز او از آلودگی‌های مرسوم قدرت است. درگذشت یکی از فرزندان مرحوم توکلی حدود ده سال پیش نیز مصیبتی بزرگ برای این خانواده بود. می‌دانم که او عمیقاً از این اتفاق آسیب دید و تا پایان عمر درگیر رنج ناشی از این فقدان ماند. در کنار ایشان، همسرشان نیز شخصیتی بر جسته و همراهی کم‌نظیر بودند که بخش عمده‌ای از بار زندگی

از مصیبت‌های سیاسی زندگی دکتر توکلی، قطعاً می‌توان به دوران ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد اشاره کرد. با آنکه ایشان در دسته اصولگرایان تعریف می‌شد، اما دیدگاه‌های علمی و آکادمیکش در حوزه اقتصاد با رویکردهای آن دولت تضاد شدیدی داشت. به چشم خود دیدم که چطور از سیاست‌های اقتصادی آن دوران رنج می‌برد و بارها ناراحتی و ناامیدی‌اش را از آینده کشور ابراز می کرد. او به معنای واقعی در آن سال‌ها «آخر شد.» اگر بخواهم جمع‌بندی کنم، باید بگویم احمد توکلی، با همه تفاوت‌ها و تقدیهایی که ممکن است به مواضعش وارد باشد، یکی از معدود سیاستمداران ایرانی بود که زندگی‌اش به اصولی پایبند ماند: پاکدستی، صداقت، فروتنی و مسئولیت‌پذیری. در دورانی که شفافیت، سلامت مالی و اعتماد عمومی به مسئولان موضوعی مهم و حساس است، زندگی او می‌تواند همچنان الگویی کمیاب و تأمل برانگیز باشد. درگذشت ایشان ضایعه‌ای از فقدان یک انسان پاک‌دست است که در سراسر عمر خود برای داشتن یک زندگی سالم تلاش کرد و اجازه نداد ذره‌ای رانت، فساد و لابی‌گری به زندگی خانوادگی وی نفوذ کند.

سیاستمداران

صدای مردم شنیده شود

محمدعلی پور مختار، نماینده ادوار مجلس با اشاره به اهمیت حفظ انسجام ملی، افزود: «نظام به مشکلات و خواسته‌های مردم توجه کرده و صدای آنها را بشنود. مردم از مشکلات اقتصادی، تبعیض‌ها و فسادها ناراحت هستند. با وجود مشکلات اقتصادی، طبقه‌ای از شرایط کشور سوءاستفاده کرده و برای خود ثروت هنگفتی فراهم کرده‌اند. مردم وقتی این افراد را می‌بینند دچار ناامیدی شده و اینگونه بین مردم و نظام فاصله ایجاد می‌شود. با وجود تاکید رهبر انقلاب بر مبارزه با فساد، اما مفسدین حتی بین گروه‌های سیاسی هم رخنه کرده و ثروت زیادی بدست آورده‌اند.»

ادامه یادداشت سردبیر

«عصرما» البته در یک مصداق‌یابی عجیب، جریان‌هایی چون انصار حزب‌الله را مصداق «چپ جدید» معرفی می‌کرد که اصولاً نمی‌توان آنها را انبروی سیاسی تلقی کرد (چنان که بعدناظر به پیرازاتی چون علیرضا علوی‌نبار از آنان با عنوان «راست رادیکال» یاد کردند و هویت آن رانه سیاسی که نظامی -امنیتی دانستند)، مصداق واقعی «چپ جدید»، همین تک‌چهره‌های برآمده از جناح راست بودند که در مقام تعارض و مواجهه با دولت هاشمی، پای در مسیر چپ‌روی گذاشته بودند. برخلاف راست سنتی و نیز انصار حزب‌الله و کههان که آن سال‌ها بیشتر دغدغه حجاب یا فلان فیلم و کتاب را در سر داشتند؛ این طیف، محور تعارض خود با دولت هاشمی را در اقتصاد می‌دید و مدعی بود در پیش گرفتن سیاست‌های لیبرال، مغایر با آرمان‌هایی است که در دوران انقلاب و جنگ بر اقتصاد ایران حاکم بود. پیوند خوردن با اقتصاد بازار آزاد و در پیش گرفتن سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، محور اصلی هشدارها و انتقادهای این «چپ جدید» بود که البته در این مسیر، «چپ قدیم» (خط امام) هم با آن هم‌مسیر بود. در مصاحبه سال ۱۳۹۶ با خبرگزاری فارس، توکلی از همگرایی روزنامه‌های «رسالت» (که خود مدیرمسئول آن بود) و «اسلام» علیه سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی می‌گوید و حتی مدعی می‌شود عامل اصلی بازداشت عباس عیدی در سال ۱۳۷۱ ناراحتی هاشمی از خودش (توکلی) بابت ارائه اسناد بدهی خارجی ۴۳ میلیارد دلاری به مقام‌هبری بوده است: «آقای هاشمی از این موضوع گله‌مند بودند و من هم چون آدم سابقه‌دار، وزیر و وکیل بودم و روزنامه‌ها رسالت توسط آدم‌های بزرگ یعنی ۷ تا ۱۰ وزیر، نماینده مجلس و مقامات کشور تاسیس شده بود نمی‌توانستند چیزی بگویند اما آقای عباس عیدی را در خیابان دستگیر کردند... وزارت اطلاعات که نمی‌توانست من را بگیرد... فارغ از اینکه بازداشت عیدی ارتباطی با اقدامات توکلی داشت یا نه؛ اما این، به واقعیت بود که در اوایل دهه ۱۳۷۰ دو جریان «چپ جدید» و «چپ قدیم» در نقد سیاست‌های اقتصادی هاشمی اشتراک داشتند. توکلی از این نظر، حتی با راست سنتی هم مرزبندی می‌کند و یکی از دلایل شکست ناطق‌نوری برابر خاتمی در سال ۱۳۷۶ را خودداری او از نقد هاشمی می‌داند: «هم‌رایی که من (در سال ۱۳۷۲) او کردم و همراهی آقای خاتمی در واقع «نه» به هاشمی بود. من در انتخابات به آقای ناطق توصیه کردم «اگر انتقادی به هاشمی دارید، آن را مطرح کنید»، اما ایشان بر عکسش را انجام داد، به او گفتم مردم با هاشمی مخالف‌اند و به شمارای نمی‌دهند و ایشان گفت من با هاشمی هستم و کار را خراب کرد.» توصیه توکلی را ناطق‌نوری در ۱۳۷۶ نپذیرفت: اما در سال ۱۳۸۴، چهره‌ای به مقابله با هاشمی آمده بود که در حمله به او، هیچ آداب و ترتیبی نمی‌جست. آنچه محمود احمدی نژاد با هاشمی در انتخابات ۱۳۸۴ و به شکلی دیگر در ۱۳۸۸ کرد؛ تداوم منطقی و طبیعی مسیری بود که توکلی در ۱۳۷۲ گشوده بود و در ۱۳۷۶ ناطق‌نوری را به تداوم آن فرا خوانده بود. ناطق او رهرو چنین بیراهه‌ای نبود. او راستی سنتی و اصیل بود که همچون دیگر محافظه‌کاران، اگر نگرانی و دغدغه‌ای هم داشت، از روند تحولات اجتماعی و تغییر هنجارها و ارزش‌ها و نکرش‌هایی بود که پس از جنگ به‌تدریج ظهور و بروز یافت و بی‌ادوم خرداد. در سطح سیاسی تولد خود را اعلام کرد. احمدی نژاد اما، فرزند واقعی «چپ جدید» بود. او البته، آن وزانت و صداقت و اخلاق امثال توکلی را هم در مواجهه با رقیب و مخالف نداشت. پرده‌ها را می‌درید و برای پیروزی، هر قیمتی را می‌پرداخت. توکلی و افروغ و مطهری و دیگر اصولگرایان اصیل مجلس هفتم در همان ابتدای کار احمدی نژاد، او را شناختند و حتی در مسیر تعیین کابینه در برابر برخی گزینه‌های او ایستادند و بعدها تا پایان دوران دو دولت او، منتقد جدی او ماندند. اما غول از شیشه به در آمده بود. همچون ناترازی‌های امروز که دست‌کم بخشی از آن، میراث تثبیت قیمت‌های توکلی است؛ احمدی نژاد نیز خروجی نهایی راهی بود که «چپ جدید» می‌رفت و توکلی، خواسته یا ناخواسته فضل تقدم در همان راهی را داشت که احمدی نژاد تا آخر آن رافت...

نقل قول‌ها برگرفته از مصاحبه احمد توکلی با خبرگزاری فارس در بهمن‌ماه ۱۳۹۶ است.